

باب سیزدهم - لوح مبارک درباره اهل باطن

جمال قدم جل شأنه الاعظم در لوحی میفرمایند :

“ ای علی مشاهده در امر رسول الله نما که اول امر در کمال ترقی و استعلاء بوده و بعد توقف نموده یکی از اسباب مانعه آنکه نفوسی برخاستند و بدعوی اینکه ما اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عز ربانیه ممنوع نمودند قل تالله کل ظاهر اعلی من باطنکم و کل قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم كما تترك العظام للکلاب این ایام احکام الهیه از مشرق بیان ربانیه مشرق و انشاء الله از بعد ارسال میشود این دو آیه مبارکه در آن لوح اقدس نازل من الناس من يقعد صف النعال ملاحظه نمائید هر نفسی از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و بتوهمات نفسانیه و شئونات هواییه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرق ساخت

قل یا ایها الموهوم ان الباطن و باطن الباطن و باطن الذى جعله الله مقدسا عن الباطن و الظاهر الى ما لا نهاية لها يطوف حول هذا الظاهر الذى ينطق بالحق فى قطب العالم قد ظهر الاسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفر و لا مستقر الا لمن تمسک بهذه العروة النوراء التى بها اشرفت الارض و السماء و لاح العرش و الثرى و اضاء ملکوت الاسماء و انار الافق الاعلی اتقوا یا قوم و لا تتبعوا الهوى و لا اوهام الذين قاموا على المکر فى ملکوت الانشاء توجهوا بوجوه بیضاء و غرر غراء الى مطلع آیات ربکم مالک الاخرة و الاولى كذلك قضی الامر فى لوح الذى جعله ام الالواح و مصباح الفلاح بین السموات و الارضین

ای علی تفریق امت سبب و علت ضعف کل شده و لکن الناس اکثر هم لا یفقهون بعضی از ناس که ادعای شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبه میشدند ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفس الحق که مشاهده شد نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متصلا خود را بحجر و مدر و جدار میزد که بیم هلاکت بود و بعد منصعقا بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداء شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند ان الله بری منهم و نحن براء ان ربک لهو العليم الخبير يعلم خائنة الاعین و ما فی صدور العالمین

و همچنین جمعی هستند برفاعی معروفند و آن نفوس بقول خود در آتش میروند و در احیان جذبیه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنیکه ناظر چنین گمان مینماید که اعضای خود را قطع نموده اند کل نلک حیل و مکر و خدع من انفسهم الا انهم من الاخسرین جمیع این امور برأی العین

مشاهده شد و اکثری از ناس دیده‌اند بسیار محبوب است که یکی از آن نفوس موهومه بآن ارض توجه نماید و تکایای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطر ات نفسانیه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود ای علی جمعی در جزائر بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده‌اند و با وحوش انس گرفته‌اند و لیالی و ایام بریاضات شاقه مشغول‌اند و باذکار ناطق مع ذلک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه مع آنکه خود را از اقطاب و اوتاد و افراد ارض می‌شمرند الیوم رداء افعال و اکلیل اعمال ذکر اسم اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة التی بها فصل بین کل حزب و نسف کل جبل و سقط کل نجم و کسف کل شمس و خسف کل قمر و انفطر کل سماء و انشق کل ارض و غیض کل بحر ” الخ